



ارزیابی جایگاه شهر تبریز از منظر الگوی شهر اسلامی با تأکید بر بُعد عدالت اجتماعی

جواد ایمانی شاملو^{۱*}، فرزاد درگاهی^۲، پریسا حاتمی حبشی^۳، رقیه جمشیدی فرخنده^۴

^۱ استادیار، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

^۲ کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۳ کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری شهرسازی و هنر، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۲)

چکیده

بررسی عدالت اجتماعی از دیدگاه شهر اسلامی در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی هدف مطالعه‌ی حاضر است؛ و در این راستا ۱۱۶ محله‌ی عرفی شهر تبریز به عنوان نمونه موردی انتخاب شده‌اند. تحقیق حاضر یک تحقیق کمی است. تحقیق به‌لحاظ هدف کاربردی بوده و به‌لحاظ رویکرد نیز از نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی هست. داده‌های تحقیق به دو صورت ثانویه و اولیه است و از شیپ فایل طرح جامع شهر تبریز ۱۳۹۵ و بلوک آماری جمعیت شهر تبریز ۱۳۹۵ استخراج شده‌است. برای گردآوری اطلاعات مطالعه‌ی حاضر از روش کتابخانه‌ای استفاده شده‌است. از مدل آنتروپی شانون جهت وزن‌دهی آن‌ها و از مدل تاپسیس جهت رتبه‌بندی محلات و از شاخص موران جهت بررسی خوشه‌ای بودن و یا نبودن در برخورداری محلات در سطح مناطق استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که به لحاظ تحقق عدالت اجتماعی در میان محلات شهر تبریز، محلات کوی استانداری، ولیعصر و گلشهر رتبه‌های نخست و محلات قربانی، سرخاب و مفتح رتبه‌های آخر را کسب کردند و به‌طور کلی محلات در سمت شرق وضعیت بهتری دارند. همچنین بررسی خودهمبستگی فضایی از میزان برخورداری محلات در سطح مناطق، حاکی از آن است که خوشه‌شدگی قابل ذکری در سطح کلان شهر تبریز وجود ندارد.

واژگان کلیدی

عدالت اجتماعی، شهرسازی اسلامی، محله، تبریز.

یکی از فضاهای جغرافیایی که از دیرباز، انعکاس دهنده‌ی ایدئولوژی نظام‌های حاکم و از مهمترین دستاوردهای فکری، فلسفی، هنری، صناعی و تولیدی تمدن‌ها و جوامع بشری محسوب می‌شود پدیده‌ی شهر است؛ که هم از ماندگاری نسبی برخوردار است، هم تجلی باورها و ارزش‌های فرهنگی جامعه است، هم بر رفتار انسان اثر می‌گذارد، ضمن آنکه بیانگر هویت جامعه در انظار جهانیان و تاریخ است (Alipour & SHafipour, 2017; Habibiyani & Jalaliyan, 2015). شهر باید برای انسان محیطی شایسته ایجاد کند. همچنین به خصوصیات سرزمین، طبیعت و تاریخ و خلق و خویهای مردم آن پاسخ گوید و برای دستورالعمل‌ها و احکام زندگی جوابی درخور داشته‌باشد. ضمن این‌که از باورها و عقاید و اعتقادات مردمان متأثر شود (Nazm Far, Aslani, & Ghafari Gilande, 2016).

بین اسلام و زندگی شهری، رابطه‌ی خاصی وجود دارد و ترویج اسلام با توسعه و ترویج زندگی شهری متجلی شده است (Asadi, 2019). دین اسلام به عنوان یک دین جامع در همه امور اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی، فرهنگی، عرصه‌های مربوط به الگوهای رفتاری که دارای احکام، قواعد و رهنمودهای معین و روشن است. در حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی و در همه عرصه‌های مربوط به حیات مادی و فضاهای سکونتگاهی از جمله در نحوه شهرنشینی و شکل شهرها نقش مؤثر و قاطعی ایفا نموده است. در واقع حاکمیت تفکر آیینی بر شهر و فعالیت‌های جاری در آن، موجب گردید تا ساختار شهری جدید با عنوان شهر اسلامی شکل گیرد (Mirmiran & Mirmiran, 2018). در جهان امروز، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان پدیده‌ای فراگیر و روبه‌گسترش قابل مشاهده است (Saeidi, 2014). لذا ضروری است در برنامه‌ریزی شهری با اصول اسلامی توزیع عادلانه منابع مدنظر قرار گیرد (Rahimi & Rahimi, 2016). در جهان امروز، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان پدیده‌ای فراگیر و روبه‌گسترش قابل مشاهده است (Naghizade, 2016). در نظریه وابستگی به تأثیرات حاصل از وابستگی اقتصادی کشورهای جهان سوم به نظام جهانی اشاره می‌شود؛ که تأثیرات ناشی از آن نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی میان نواحی داخلی سبب می‌گردد که با تمرکز منابع و امکانات در مادرشهرهای بزرگ و تک‌شهرهای مسلط ناحیه‌ای، شکاف میان ثروت و فقر را عمیق‌تر کرده و روند کلی توسعه را آهسته نموده است (Hekmatneia & Mosavei, 2005).

بنابراین نابرابری اجتماعی اشاره به شرایطی دارد که افراد دسترسی نابرابری به منابع ارزشمند، خدمات و موقعیت‌ها در جامعه دارند. چنین تلقی از نابرابری می‌تواند برحسب چگونگی ارزیابی و رتبه‌بندی افراد و گروه‌ها توسط دیگران، لحاظ شود؛ اما مهمترین وجه آن این است که نابرابری اجتماعی مرتبط با موقعیت‌های متفاوت در درون یک ساختار اجتماعی است. لذا می‌توان انتظار داشت نابرابری رابطه‌ی مستقیمی با توسعه اقتصادی داشته باشد. زیرا توسعه پیامد انباشت ثروت و حاصل افزایش ظرفیت‌های استفاده از منابع به مدد تکنولوژی بوده و نحوه‌ی توزیع مازاد مسئله‌ی دسترسی به قدرت را مطرح می‌سازد. بنابراین سه مفهوم توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی و نابرابری‌های اجتماعی مفاهیمی کاملاً مرتبط و درهم تنیده تلقی می‌شوند که تأثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند (Mazloum Khorasanim & Azimi Hashemi, 2012). در این ارتباط، دیوید هاروی عدالت اجتماعی و فضایی در شهرها را تخصیص عادلانه‌ی منابع و امکانات شهری می‌داند که بتواند به گونه‌ای هدایت شود که افراد با حداقل شکاف و اعتراض نسبت به حقوق خود مواجه باشند و نیازهای جمعیتی آن در ابعاد مختلف برآورده گردد (Zarabi & Mousavi, 2010). چراکه وجود بی‌عدالتی‌های جغرافیایی و توسعه‌ی ناموزون بخش‌های جغرافیایی، تأثیر سوئی بر توسعه‌ی مناطق دارد (Ibrahizadeh, Mousavi, & Kazemizad, 2012; Dargahi & Imani, 2012; Shamloo, 2023). بنابراین با توجه به تأثیرات منفی توزیع ناعادلانه و نابرابر امکانات و خدمات در شکل‌گیری بی‌عدالتی‌های اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و فرهنگی، توجه به اصول اساسی عدالت اسلامی در هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌های فوق می‌تواند زمینه‌ساز توسعه‌ی متوازن و توزیع عادلانه و برابر امکانات و خدمات را در تمام مناطق فراهم نماید. در این رابطه، از مهمترین مسائلی که دین اسلام روی آن تکیه دارد، مسئله‌ی حفظ حقوق و اموال مردم و به‌طور کلی اجرای عدالت اجتماعی است. عدالت‌ورزی

در همه‌ی شئون حکومت، حتی عدالت در توزیع امکانات و فرصت‌ها. اجرای عدالت نه تنها از وظایف اخلاقی حاکمان است، بلکه یکی از راه‌های نفوذ در دل‌وجان مردم نیز به شمار می‌رود. احادیث مختلف از امامان معصوم و مصلحان اجتماعی وجود دارد که همواره بر مفهوم عدالت اجتماعی تأکید فراوان کرده‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود (Mousavi, 2012).

جهت بررسی عدالت اجتماعی از دیدگاه شهر اسلامی در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی که هدف مطالعه‌ی حاضر است، محلات شهر تبریز به عنوان نمونه موردی انتخاب شده‌اند. شهر تبریز دارای ۱۰ منطقه و فاقد ناحیه است. با توجه به اینکه تقسیم کالبدی صرفاً در سطح منطقه است، تقسیم‌بندی محلات به صورت سلسله مراتبی وجود ندارد؛ اما محلات عرفی شهر تبریز ۱۳۷ محله است که ۱۱۶ محله جهت بررسی انتخاب شده‌اند.

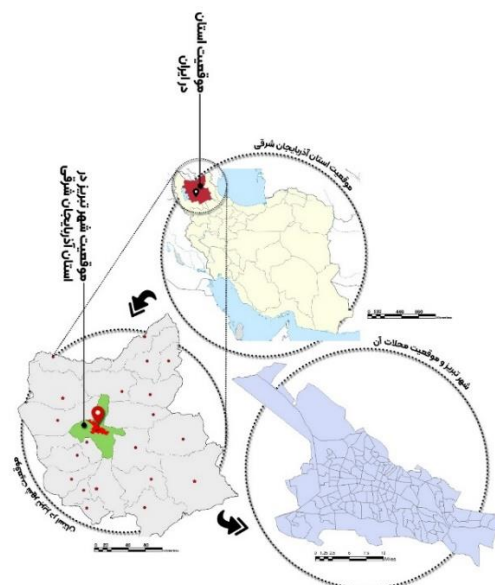
۱. پرسش‌ها

سؤال اصلی پژوهش این است که وضعیت محلات شهر تبریز به لحاظ تحقق عدالت اجتماعی از دیدگاه شهرسازی اسلامی چگونه است؟

۲. روش پژوهش

۲-۱. نمونه موردی

تبریز یکی از کلان شهرهای کشور، در استان آذربایجان شرقی واقع شده‌است. این شهر بزرگترین متروپل شمال غرب ایران است. موقعیت جغرافیایی این شهر در ۳۸ درجه و ۱ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی است. بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، کلان شهر تبریز حدود ۱۵۵۸۶۹۳ نفر جمعیت دارد و از تعداد ۷۷۲۰۳۲ نفر زن و ۷۸۶۶۶۱ نفر مرد هستند که ششمین شهر پرجمعیت ایران پس از تهران، مشهد، اصفهان، کرج و شیراز محسوب می‌شود. حدود ۴۶ درصد جمعیت، شهرنشین هستند و تعداد خانوار بر اساس آخرین سرشماری که در سال ۱۳۹۵ انجام شده‌است، ۴۹۷۸۹۸ خانوار است. شهر تبریز دارای ۱۰ منطقه و فاقد ناحیه است. با توجه به عدم کارایی تقسیمات کالبدی موجود، بازنگری تقسیمات کالبدی موجود شهر تبریز لازم است. با توجه به اینکه تقسیم کالبدی صرفاً در سطح منطقه است، تقسیم‌بندی محلات به صورت سلسله مراتبی وجود ندارد اما محلات عرفی شهر تبریز ۱۳۷ محله است (شکل ۱).



شکل ۱: نقشه‌ی محلات شهر تبریز

۲-۲. گردآوری داده‌های پژوهش

داده‌های تحقیق به دو صورت ثانویه و اولیه است. داده‌های ثانویه داده‌هایی هستند که از جامعه‌ی مورد پژوهش مان قبلاً توسط سازمان یا موسسه‌های دیگری تولید شده و به دست آمده‌است و نیازی نیست که پژوهشگر دوباره آن‌ها را به دست آورد؛ اما داده‌های اولیه داده‌هایی هستند که پژوهشگر بر اساس نیاز خود اقدام به تولید آن‌ها می‌کند. در این پژوهش نیز داده‌های استخراج شده از بلوک آماری جمعیت سال ۱۳۹۵ که شامل جمعیت زیر ۴ سال، جمعیت بالای ۶۵ سال، جمعیت متأهلین، جمعیت بی‌کار، جمعیت شاغل، مهاجرین، جمعیت باسواد، مسکن اجاره‌ای، مسکن با مالکیت عرصه و اعیان، مسکن بادوام، مسکن کم‌دوام و مساحت کاربری‌های شهری که از شیپ فایل طرح جامع شهر تبریز سال ۱۳۹۵ به دست آمده‌است داده‌های ثانویه بوده و بعد متوسط خانوار، متوسط نسبت جنسی، نسبت جنسی جمعیت باسواد، بار تکفل، تراکم جمعیتی، سرانه‌های کاربری‌های خدماتی شهری، داده‌های اولیه هستند که پژوهشگران بر اساس نیاز اقدام به تولید آن‌ها کرده‌اند. برای گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر از روش کتابخانه‌ای استفاده شده‌است. بدین صورت که از کتاب‌ها، مقالات و اسناد اداری به ترتیب بخش مبانی نظری، شناخت محدوده و روش تحقیق و تجزیه تحلیل بهره گرفته شد. کتاب‌ها و مقالات استفاده شده در حوزه‌های انواع عدالت، شهرسازی اسلامی، روش تحقیق بوده و اسناد اداری نیز که از معاونت شهرسازی و معماری تهیه شده‌است، شامل بلوک آماری جمعیت شهر تبریز در سال ۱۳۹۵ و شیپ فایل آخرین طرح جامع شهر تبریز (Master plan of Tabriz, 2016) و شیپ فایل محلات عرفی شهر تبریز است. لازم به ذکر است که پس از مشخص شدن محلات خالی از سکنه، تعداد محلات مورد مطالعه ۱۱۶ محله انتخاب شدند.

۲-۳. روش تحلیل

۲-۳-۱. روش تاپسیس جهت رتبه‌بندی محلات از منظر عدالت اسلامی

جهت رتبه‌بندی محلات از مدل TOPSIS استفاده خواهد شد. در این روش m گزینه به وسیله n شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و هر مسئله را می‌توان به عنوان یک سیستم هندسی شامل m نقطه در یک فضای n بعدی در نظر گرفت. این تکنیک بر این مفهوم بنا شده‌است که گزینه‌ی انتخابی باید کمترین فاصله را با راه حل ایده‌آل مثبت (بهترین حالت ممکن، A_i^+) و بیشترین فاصله را با راه حل ایده‌آل منفی (بدترین حالت ممکن، A_i^-) داشته باشد. در این روش با در نظر گرفتن فاصله یک گزینه A_i از نقطه‌ی ایده‌آل، فاصله آن از نقطه ایده‌آل منفی هم در نظر گرفته می‌شود. بدان معنی که گزینه انتخابی باید دارای کمترین فاصله از راه حل ایده‌آل بوده و در عین حال دارای دورترین فاصله از راه حل ایده‌آل منفی باشد. در این روش مطلوبیت هر شاخصی باید به‌طور یکنواخت افزایش یا کاهش (یعنی هرچه r_{ij} بیشتر، مطلوبیت بیشتر و یا برعکس) باشد (Azar & Rajab zade, 2008). این مدل هفت مرحله دارد که به شرح زیر است.

مرحله اول: تعیین ماتریس مقایسه‌ی معیارها، در این مرحله ماتریسی رسم خواهد شد که در ستون آن معیارها و در سطر آن گزینه‌ها آورده می‌شود که نقطه طلاق سطر و ستون میزان اهمیت معیار را نشان می‌دهد.

مرحله دوم: بی‌مقیاس کردن ماتریس معیارها، به منظور قابل مقایسه شدن معیارها با مقیاس‌های مختلف، ماتریس معیارها را به ماتریس بی‌مقیاس تبدیل می‌کنیم.

$$A_{ij} = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & a_{1n} \\ \dots & \dots & \dots \\ a_{m1} & a_{m2} & a_{mn} \end{bmatrix} \quad r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^n a_{kj}^2}} \quad r_{ij} = \begin{bmatrix} r_{11} & r_{12} & r_{1n} \\ \dots & \dots & \dots \\ r_{m1} & r_{m2} & r_{mn} \end{bmatrix}$$

مرحله سوم: ایجاد ماتریس ((بی مقیاس)) وزین با مفروض بودن بردار W به عنوان ورودی الگوریتم.

$$v_{ij} = \begin{bmatrix} w_1 r_{11} & w_2 r_{12} & \dots & w_n r_{1n} \\ w_1 r_{21} & w_2 r_{22} & \dots & w_n r_{2n} \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ w_1 r_{m1} & w_2 r_{m1} & \dots & w_n r_{mn} \end{bmatrix}$$

$$\sum_{i=1}^n = 1$$

مرحله چهارم: مشخص نمودن راه حل ایده‌آل مثبت و راه حل ایده‌آل منفی برای گزینه‌ی ایده‌آل مثبت A^* و ایده‌آل منفی A^-

$$\text{گزینه ایده‌آل مثبت} = A^* = \{(\max V_{ij} | j \in J), (\min V_{ij} | j \in J) | i = 1, 2, \dots, m\} = \{V_1^*, V_2^*, \dots, V_j^*, \dots, V_n^*\}$$

$$\text{گزینه ایده‌آل منفی} = A^- = \{(\min V_{ij} | j \in J), (\max V_{ij} | j \in J) | i = 1, 2, \dots, m\} = \{V_1^-, V_2^-, \dots, V_j^-, \dots, V_n^-\}$$

مرحله پنجم: محاسبه‌ی اندازه جدائی (فاصله)، فاصله گزینه‌ی i ام، با ایده‌آل‌ها با استفاده از روش اقلیدسی بدین قرار است:

$$S^* = \text{فاصله گزینه‌ی } i \text{ ام از ایده‌آل مثبت} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^*)^2}; \rightarrow I = 1, 2, \dots, m$$

$$S^- = \text{فاصله گزینه‌ی } i \text{ ام از ایده‌آل منفی} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2}; \rightarrow I = 1, 2, \dots, m$$

مرحله ششم: محاسبه‌ی نزدیکی نسبی S_i به راه حل ایده‌آل، این نزدیکی نسبی را به صورت زیر تعریف می‌کنیم:

$$\rightarrow I = 1, 2, \dots, m: CL_{i^*} \leq 1 \rightarrow CL_{i^*} = \frac{S_i^-}{(S_i^- + S_i^+)}$$

ملاحظه می‌شود که چنانچه $S_i = S^*$ گردد آنگاه $CL_{i^*} = 0$ خواهیم داشت و $CL_{i^*} = 1$ در صورتی که $S_i = S^-$ شود آنگاه $CL_{i^-} = 0$ بوده و $CL_{i^*} = 0$ خواهد شد. بنابراین هر اندازه گزینه‌ی S_i به راه حل ایده‌آل نزدیکتر باشد، ارزش CL_{i^*} به واحد نزدیکتر خواهد شد.

مرحله هفتم: رتبه‌بندی گزینه‌ها، بر اساس ترتیب نزولی CL_{i^*} می‌توان گزینه‌های موجود از مسئله مفروض را رتبه‌بندی نمود (Asqar pour, 2008).

لازم به ذکر است جهت وزن‌دهی به شاخص‌ها در مدل تاپسیس از مدل آنتروپی شانون استفاده خواهد شد. مدل آنتروپی شانون یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره برای وزن‌دهی به شاخص‌ها و مبتنی بر ماتریس تصمیم است. این روش توسط شانون و ویور در سال ۱۹۷۴ ابداع شده است و اساس اهمیت یا وزن هر شاخص، میزان پراکندگی داده‌های مربوط به ستون آن شاخص در ماتریس تصمیم است. ایده‌ی اصلی این روش آن است که هرچه قدر پراکندگی در مقادیر یک شاخص بیشتر باشد آن شاخص از اهمیت بیشتری برخوردار است. مراحل مدل آنتروپی شانون به شرح زیر است.

گام اول: ماتریس تصمیم با m گزینه و n شاخص را ترجیحاً با روش نرم مجموع نرمال می‌کنیم:

$$r_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sum_{i=1}^m x_{ij}}, i = 1, 2, \dots, m, j = 1, 2, \dots, n$$

گام دوم: میزان آنتروپی هر یک از شاخص‌های C_j را به روش زیر محاسبه می‌کنیم:

$$E_j = -\frac{1}{LN(m)} \left(\sum_{i=1}^m r_{ij} LN(r_{ij}) \right), i = 1, \dots, m, j = 1, \dots, n$$

گام سوم: تعیین اندازه‌ی عدم اطمینان یا درجه انحراف برای شاخص C_j

$$d_j = 1 - E_j$$

گام چهارم: تعیین وزن هریک از شاخص‌های C_j

$$w_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^n d_j}$$

۲-۳-۲. استفاده از خودهمبستگی فضایی جهت بررسی میزان تمرکز و خوشه‌شدگی محلات

در ادامه از تکنیک موران در محیط ArcGIS برای بررسی خوشه شدن محلات برخوردار، نیمه برخوردار و کم برخوردار بهره گرفته شده‌است؛ فرمول مورد استفاده در ادامه مورد اشاره قرار گرفته است.

$$I = \frac{n}{S_0} \frac{\sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n w_{ij} z_i z_j}{\sum_{i=1}^n z_i^2}, \quad S_0 = \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n w_{ij}$$

۲-۴. شاخص‌های تحقیق

۱۷ شاخص در قالب بخش اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی و کالبدی جهت سنجش عدالت از دیدگاه شهر اسلامی در محلات عرفی شهر تبریز با توجه به پیشینه‌های بررسی شده و انتخاب شده‌اند که در زیر قابل مشاهده است. شاخص‌های انتخاب شده بر اساس مبانی نظری تحقیق و همچنین پیشینه تحقیق انجام شده برگزیده شده است (جدول ۱).

۳. پیشینه پژوهش

در ابتدا تحقیقاتی که در قالب شهرسازی اسلامی به بررسی بحث عدالت در حوزه‌های مختلف پرداخته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در ادامه تحقیقاتی که در حوزه‌ی عدالت انجام شده‌است ذکر می‌گردد. مقاله‌ی «واکاوی تبلور عدالت محیطی در اندیشه آرمان شهری اسلامی جهت کاربست در شهرسازی اسلامی مطالعه موردی: محله روستا بنیان سفین کیش» که توسط محمدمهدی عزیزی و همکاران انجام شده‌است، عدالت محیطی را در حوزه‌های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی را پس از پی بردن به عامل متناظرشان در آرمان شهر اسلامی در محله‌ی یاد شده مورد سنجش قرار می‌دهند (Azizi, Zebardast, & Akbari, 2018). تحقیقی که توسط حسین کلانتری خلیل‌آباد و همکاران تحت عنوان «مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی» به عمل آمده‌است به مؤلفه‌های اجتماعی می‌پردازند و به عدالت اجتماعی، مشارکت مردمی، امنیت، بهداشت و غیره اشاره می‌کنند (Kalantari khalil abad, Haqi, & Dadkhah, 2014). تحقیقاتی در قالب شهرسازی اسلامی هستند که به بحث عدالت پرداخته‌اند. در مطالعه‌ای که توسط عبدالحسین کلانتری و حسن بخشی زاده تحت عنوان «معیارهای عدالت اجتماعی در شهر اسلامی» انجام شده‌است بر پایه روش تحلیل تماتیک به این نتیجه می‌رسند که عدالت اجتماعی طبق سه معیار در شهر

جدول ۱: شاخص‌های پژوهش

مآخذ	متغیرها	سنججه‌ها	عامل متناظر عدالت در شهرسازی	عامل متناظر در آرمان شهر اسلامی	معیار عدالت
(Azizi, Zebardast, & Akbari, 2018) (Mousavi, Sadat Kahaki, 2017) (kheyroddin, 2013)	میزان اشتغال و بی‌کاری	میزان اشتغال	آسیب‌پذیری اجتماعی اقتصادی (ناشی از عدم توزیع متناسب هزینه-فرصت‌ها)	عدالت از منظر توزیع	برابری اجتماعی اقتصادی کالبدی
	بار تکفل				
	اجاره‌نشینی و مالکیت عرصه و اعیان	نحوه‌ی تصرف مسکن			
	مسکن بادوام مسکن کم‌دوام	میزان دوام مسکن			
	سرانه‌ی کاربری‌های خدماتی (تجهیزات شهری، تأسیسات شهری، مذهبی، پارک و فضای سبز، فرهنگی هنری، درمانی، ورزشی، اداری و انتظامی، آموزشی)	رفاه اجتماعی	پتانسیل در معرض خطر بودن (ناشی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های جمعیتی)	عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها	
	افراد باسواد	سطح سواد			
	نسبت جنسی (تعداد مردان به زنان) نسبت جنسی افراد باسواد	تعادل جنسیتی			
	افراد بالای ۶۵ سال افراد پایین ۴ سال	گروه‌های جمعیتی			
	تراکم جمعیتی	تراکم جمعیتی			
	بعد خانوار	بعد خانوار			
	تعداد متأهلین	متأهلین			
	تعداد مهاجرین	مهاجرین			

اسلامی نمود پیدا می‌کند. هویت توحیدی یعنی در شهر اسلامی مردم دارای هویت عدل بوده و امتی عدل‌خواه هستند. نظم از معیارهای دیگر عدالت اجتماعی در شهر اسلامی نیز عبارت است از وجود قانون در شهر، مردمی مطالبه‌گر عدالت اجتماعی، نبودن اسراف و تبذیر، امنیت و رفاه اقتصادی در شهر. معیار سوم عدالت اجتماعی در شهر اسلامی، کالبد اسلامی است؛ یعنی در شهر اسلامی دارای نقشه‌ی شهری، بافت شهری مناسب، وجود مرکزیت شهری، دسترسی و غیره است (Kalantary & Bakhshi, 2020). زیلا رحیمی و محمد نقی‌زاده نیز در مطالعه‌ی خود تحت عنوان «تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی (محلّه)» که یک تحقیق کیفی و بر اساس مرور مستندات مربوط بوده است به این نتیجه می‌رسند که محلّه به عنوان کانون خرد و ساختار اصلی شهر می‌تواند با رعایت عدالت فردی و اجتماعی بین ساکنان محلّه و رعایت تعادل و هماهنگی در اجزاء، عناصر و فضاهای آن و نیز با تأکید بر رعایت حقوق قانونی افراد محلّه از خدمات و تسهیلات عمومی شهری و محلی توسط نظام مدیریت محلّه، زمینه تحقق عدالت اجتماعی را در خود هموار نماید. بنابراین توازن در محلات را می‌توان از جنبه‌های گوناگون همچون حفظ حریم‌های فضایی به حرمت حریم‌های اجتماعی، تلازم ماده و معنا، توان تغییرپذیری، خودبسندگی، توازن در ارتباطات داخل محلّه‌ای و پراکنش کاربری‌های محلّه، توازن در مسائل اجتماعی و فرهنگی خاص محلّه، توازن بصری و فضایی آن مطرح کرد (Rahimi & Naghizade, 2016).

میرنجف موسوی و مهدی مدیری در مطالعه‌ی خود به دنبال اولویت‌سنجی شاخص‌های عدالت اسلامی ایرانی در تحقق آمایش سرزمین و توسعه‌ی متعادل در ایران است و از شاخص‌های بررسی عدالت آن‌ها، ۳۵ شاخص عدالت اکولوژیکی، کالبدی،

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده که در ۳۱ استان کشور مورد بررسی قرار می‌دهند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های عدالت اقتصادی بیشترین نقش را در نابرابری‌های منطقه‌ای در بین استان‌های کشور دارد (Mousavi & Modiri, 2015). رضا خیرالدین در مطالعه‌ی خود به دنبال مفهوم تعادل‌بخشی جهت یکپارچگی تمامیت شهر از دیدگاه اسلامی (قرآن و نهج‌البلاغه) است و جهت بررسی این یکپارچگی ۵۰ شاخص کمی را در تمامی نواحی شهر تهران مورد سنجش قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که پیامدهای تحولات گسترده فضایی تهران در دو دهه‌ی اخیر بیشتر منجر به گسست فضایی شده‌است (KHeyroddin, 2013). یحیی فوزی و روح‌الله مرادی در مقاله‌ی خود به بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی از دیدگاه جان راولز (غرب) و امام خمینی (اسلام) می‌پردازد. نویسندگان در این تحقیق به بررسی ماهیت عدالت، مفهوم عدالت، عامل تعیین‌کننده اصول عدالت، دلیل پذیرش عدالت، سطوح عدالت، ویژگی جامعه عادلانه و ویژگی عدالت اجتماعی از دیدگاه دو اندیشمند می‌پردازند (Fozi & Moradi, 2010).

بهروز مرادی در مقاله‌ی خود تحت عنوان «معیارهای اجتماعی عدالت در اسلام» پس از ارائه‌ی تعریف عدالت و عدالت اجتماعی از دیدگاه متفکران و صاحب نظران غربی و مسلمان، مؤلفه‌ها و معیارهای عدالت اجتماعی در اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهد و ابعاد عدالت اجتماعی را در سه سطح خرد، میانه و کلان بررسی می‌کند. در سطح خرد، به روابط میان فردی، در سطح میانه، مقوله‌ی عدالت در گروه‌های اجتماعی، سازمان‌ها، طبقات، خانواده و آموزش و در سطح کلان، عدالت اقتصادی، نژادی، منزلتی (قانونی - حقوقی)، جنسیتی، سیاسی، فرهنگی و فرصت‌های کلان اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد (Moradi, 2018). پژوهش حاضر نیز به بررسی عدالت اجتماعی - به عنوان یکی از وجوه شهر اسلامی - در شهر تبریز می‌پردازد و وجه تمایز آن نسبت به مطالعات پیشین آن است که این پژوهش نخستین پژوهش در شهر تبریز است که عدالت اجتماعی را از دیدگاه شهرسازی اسلامی در سه بعد اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی در سطح محلات عرفی شهر تبریز مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

۴. مبانی نظری

۴-۱. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی به‌طور کلی ایجاد یک جامعه عادلانه یا نهادی تعریف می‌شود که متکی بر اصول برابری و همبستگی و درک ارزش‌های حقوق بشر تلاش می‌کند و شأن و منزلت هر انسان را به رسمیت می‌شناسد (Lotfi, Manochehri, & Ahaar, 2013). متغیرهای عدالت اجتماعی عبارت از: «کاهش فقر و محرومیت، اشتغال، تأمین نیازهای اساسی (مسکن، بهداشت، آموزش)، ثبات قیمت‌ها متناسب با دستمزدها، توزیع عادلانه درآمد و ثروت، برقراری امنیت و نظم، تأمین حقوق همه‌جانبه افراد - تأمین اجتماعی و خدمات رفاهی متغیرهای عدالت اجتماعی» هستند. ابعاد عدالت اجتماعی نیز عبارت‌اند از: برابری، مشارکت سیاسی، عدالت اقتصادی، عدالت فرهنگی، عدالت قانونی، عدالت توزیعی (Poursaid & Zuhairi, 2012).

۴-۲. جایگاه عدالت در مفهوم شهر اسلامی

در تحلیل شهر اسلامی می‌توان به چند شاخص و اصل که نقشی اساسی و بنیادین در تأسیس نظام حاکم بر رفتارها و مناسبات شهری شهرسازی در جامعه اسلامی دارد اشاره نمود: اصل هدفمند زیستن، اصل کرامت انسان، اصل رفاه، اصل امنیت یا اصل ضرورت تأمین امنیت و اصل عدالت.

شاید بتوان یکی از اصول بنیادین الهی و انسانی حاکم بر مناسبات شهروندی در حوزه تعاملات اجتماعی را اصل عدالت دانست. اهمیت ذاتی عدالت گسترده و فراگیری آن در روابط اجتماعی و تأثیرگذاری آن بر روند حرکت جامعه، امیدآفرینی، نشاط‌آوری و

پویایی‌سازی از مهمترین مواردی است که اصل عدالت را به اصل بی‌بدیل تعاملات انسانی و آرمان‌گریز ناپذیر انسان در تمامی دوران‌ها ساخته‌است. گستردگی کاربرد اصل عدالت در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری‌ها و وضع قوانین و مصوبات، اعمال و اجرای قوانین و‌اگذاری و سلب مسئولیت‌ها، وضع و اخذ عوارض، تنبیه و تشویق‌ها، توزیع امکانات و تخصیص درآمدها، ارائه انواع خدمات شهری اعم از تفریحی و بهداشتی، درمانی، آن‌قدر واضح و پر دامنه است که از یک سو نیازمند بازشماری نیست و از سوی دیگر فهرست کردن آن به سهولت ممکن نیست. این اصل از مهم‌ترین اصل حاکم و ارزش‌گذار در مناسبات شهری است (Moghaddam Rezaei, 2010). عدل در شهر به معنای ایجاد تعادل و توجه به جنبه‌های مختلف آن به‌طور هماهنگ و متوازن است. پس عدل در شهر اسلامی باید در کلیه طرح‌ها و برنامه‌های شهری شاخص باشد؛ به عنوان نمونه نباید با طراحی شهری خود موجب بروز تبعیض و قطب‌بندی‌های اجتماعی، کالبدی و خدماتی در شهر شویم (GHolami Bimorgh, 2012).

۳-۴. عدالت در شهر و آرمان شهر اسلامی از منظر معصومین

اقدامات نخستین پیامبر (ص) در مدینه انسجام و وحدت را ایجاد کرد و محدودیت‌های طبقاتی را حذف نمود و بازارها و میادین و فضاهای عمومی را در ارتباطی معنوی با خود قرار داد. پیامبر (ص) با اقطاع و وقف زمین و چاه‌های آب و تقسیم ثروت بین مهاجر و انصار و تدوین نخستین پیمان‌نامه عمومی اسلام بین طبقات مختلف موجود در مدینه و تقسیم افراد به حضری و بدوی و تبیین الگوهای رفتاری مناسب، دو شعار اساسی تقسیم ثروت‌ها بین مردم و تعالی ارزش‌های انسانی را محقق نمود (Pak, 2008). همچنین عدم تبعیض نژادی در سیره رسول خدا (ص) همواره مورد توجه و تأکید بوده است. ائمه معصومین (ع) نیز عدالت همه‌جانبه را مدنظر داشته‌اند. امام علی (ع) حکومت خویش را بر پایه عدالت‌گستری بنیان نهاد. خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار ایشان به‌ویژه عهدنامه مالک اشتر که با تفصیل تمام چگونگی رفتار عادلانه حاکم اسلامی با صنف‌های گوناگون جامعه را بیان می‌کند، گواهی روشن بر این حقیقت است (Kilini, 1971). بنابر معتقدات اسلامی و شیعی، عدالت راستین و جهانگیر در آرمان شهر مهدوی تحقق خواهد یافت. در خصوصیات حکومت امام زمان (عج)، هیچ ویژگی به اندازه «عدالت» و «قسط» روشنی ندارد. آن‌قدر که در روایات بر ویژگی عدالت‌گستری آن حضرت تأکید شده، بر سایر مسائل چنین ابرامی نرفته است و این نشان از برجستگی این مهم در دوران ظهور و آرمان شهر مهدوی دارد (Taranei, 2004).

۴-۴. عدالت در آرمان شهر اسلامی از منظر حکما و علمای مسلمان

فارابی: فارابی از جمله فیلسوفانی است که با کندوکاو در آثار فلاسفه یونانی آرمان شهر یا مدینه فاضله خود را معرفی کرده است. در اندیشه سیاسی فارابی، عدالت از مفاهیم کلیدی است و حتی در محتوایی بسیار متنوع‌تر و گسترده‌تر از فلاسفه یونان طرح می‌شود. موضوع اصلی اندیشه وی برعکس افلاطون، عدالت نیست، بلکه سعادت است. بحث او با خداشناسی، نبوت و مسائل مربوط به آن دو آغاز می‌شود و به عدالت می‌انجامد (Akhavan kazemi, 2000). در بحث عدالت از دید فارابی، نکته مهم این است که ابتدا، عدالت و توازن و اعتدال را می‌توان در روش عقلی و روش علمی او مشاهده کرد. در آثار فارابی، چند تعریف برای عدالت قابل شناسایی است:

- عدالت، خصیصه ماهوی نظم حاکم در کائنات؛
- عدالت به معنای ایفای اهلیت و استعدادها و رعایت استحقاق‌ها و سلسله مراتب و عدم ترادف با برابری مطلق؛
- عدالت، به معنای فضیلت و ملکه اخلاقی در فرد برای عمل به فضایل اخلاقی نسبت به دیگران؛
- عدالت و نظریه اعتدال و ملکات متوسطه؛
- عدالت، به معنای تقسیم مساوی خیرات مشترک عمومی؛

- عدالت، هدف قوانین مدینه.

شاید این نوع نگرش به اصل عدالت در مدینه فاضله‌ی فارابی ناشی از عصر فارابی، عصر هرج و مرج، تشتت و زوال بنیادهای سیاسی و اجتماعی جهان اسلامی است (Akhavan Kazemi, 2000). در جمع‌بندی آرا و نظرهای فارابی در خصوص فلسفه عدالت می‌توان چنین بیان داشت که او به خوبی به دو رویکرد توجه کرده است:

- عدالت از منظر توزیع: عدالت، به معنای تقسیم مساوی خیرات مشترک عمومی؛
- عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها: عدالت به معنای ایفای اهلیت و استعدادها و رعایت استحقاق‌ها و سلسله مراتب و عدم ترادف با برابری مطلق.

ابن سینا: ابن سینا همانند فارابی و افلاطون که آراء خود را مدون کرده و نام «اتویا» (مدینه فاضله، آرمان شهر) بر آن نهادند. از نگاه او شهرها سه گونه‌اند: گمراه شهر که باید آن را به راه حق فراخواند؛ ناساز شهر که دارای سنت‌هایی برخلاف سنت کریمه است؛ آیین شهر که سنت‌گذار آن خداست و همین مدینه «دادشهر» است. ابوعلی سینا درباره عدالت بیش از فارابی به واقع‌گرایی معتقد است. وی عدالت را به معنای برابری مطلق نمی‌داند، بلکه آن را در زمینه استحقاق‌های متساوی و نفی تبعیض لازم می‌داند. ابن سینا به جای «برابری مطلق» قائل به تفاوت در بین انسان‌هاست. برخی اندیشمندان، عدالت مورد ادعای ابن سینا را «عدالت عقلی به عنوان تجلی و تعبیری از قرارداد اجتماعی» عنوان نموده‌اند (Khadduri, 1984).

در آرای ابن سینا لزوم وجود مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها قابل مشاهده است؛ اما نکته قابل توجه در آن ژرفای نگرش ابن فیلسوف به این موضوع است. ابن سینا در ده قرن پیش، به بروز بحران کثرت‌گرایی در صورت مشارکت حداکثری مردم در جامعه اشاره می‌کند. راه حل مقابله با این کثرت‌گرایی در آرا و نظرهای تعریف‌مبنایی مشخص می‌داند. مینا و مقیاس، سنت و عدل است و برای تشریح سنت و عدل نیز، قانون‌گذار عادل نیاز است (Akhavan Kazemi, 2000). ابن سینا علاوه بر توجه به عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها به عدالت از منظر رویه و مشارکت همه‌جانبه مردم در جامعه اشاره دارد.

ابن رشد: نظریه ابن رشد این است که فرد باید با توجه به توانایی‌هایی که دارد دارای حرفه‌ای باشد که در آن تبحر دارد و حق اشغال موارد دیگر را ندارد. ابن رشد معتقد است که در این موارد همه افراد مساوی‌اند و میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. او برای حق مالکیت اهمیت زیادی قائل است، بدین ترتیب که فرد باید مالک دسترنج خود باشد و توان تصرف در آن را داشته باشد. آرمان شهر فلسفی ابن رشد نیز مانند آرمان شهر فلسفی افلاطون، فارابی و ابن سینا است؛ هرچند اندکی وجه تمدنی و علم‌اجتماعی آن، افزونی یافته است، به صورت کلی برخی شاخصه‌های آن عبارت‌اند از (Akochchian, 2008):

- سعادت معنوی در گفتمان ترقی شهر، اصالت دارد؛
- حاکمیت در شهر با عقل و شیوخ است؛
- عدالت اجتماعی عقل‌مدار، اصل در نظام اجتماعی شمرده می‌شود؛
- دفاع از حقوق زنان مورد توجه است.

ابن رشد به پیروی از ارسطو در موارد حقوق اساسی در جامعه این دیدگاه را دارد که فرد و همه افراد اجتماع از مشی معتدل باید پیروی نمایند. او به حق برای مداخله در تعیین سرنوشت و حق آگاهی برای عموم اهمیت درجه یک قائل است که باید به آن توجه شود. او به عدالت سیاسی در فرد و حکومت توجه نموده آن را از همدیگر جدا نمی‌داند (Ibn Rushd, 1998).

او رعایت مصالح عمومی، تأمین امنیت و توجه به استعدادهای نخبگان را ضروری می‌داند که باید از همه موارد مضر در امان بماند (Salman, 2011). در عرصه اقتصادی، حاکمیت باید به فردی توجه نماید که به تنهایی قادر به تأمین نیازهای خود نیست. برای رفع نیازهای عمومی اتباع با در نظر داشتن توزیع عادلانه مشاغل و مالکیت‌های عمومی امکان تأمین وجود دارد. گذری کوتاه در آثار و آرای ابن رشد توجه وی به تحقق عدالت در سه اصل را آشکار می‌کند: عدالت از منظر توزیع برابر، عدالت از

منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و عدالت از منظر رویه و مشارکت.

خواجه نصیرالدین طوسی: وی از جمله متفکرانی است که در جریان سیاست‌نامه‌نویسی عدالت را تعریف می‌کند. خواجه در بحث مدینه فاضله و سیاست مدن، پیرو فارابی است. نظریات خواجه در مبحث عدالت گرچه همانند اغلب فلاسفه مشایب متأثر از اندیشه افلاطون و ارسطو است؛ ولی عمدتاً ریشه قرآنی و اسلامی دارد. خواجه نصیرالدین طوسی به مانند سایر فلاسفه و بنا به نظریه اعتدال، معتقد است که عدالت به دنبال سه فضیلت دیگر که عبارت از حکمت و شجاعت و عفت هستند، حاصل می‌گردد. عدالت حد وسط و حالت تعادل بین ظلم و انظلام و شامل جملگی اعتدالات است و هر دو طرفش، جور است. عدالت به معنای ایفای اهلیت و استعدادها و رعایت استحقاق‌ها و سلسله مراتب است نه تساوی مطلق. خواجه نصیر همانند فارابی و بوعلی، به تعاریفی از عدالت از جمله «اعطاء کل ذی حق حقه»، «وضع کل شی فی موضعه» اعتقاد داشته و با رد برابری مطلق، تساوی و رفع تبعیض در زمینه استحقاق‌های مساوی را لازم می‌دانسته است. این تعبیر از عدالت که از شایع‌ترین تعبیر اسلامی و افلاطونی از این مفهوم است، در نزد خواجه نیز بسیار مهم و اساسی است و او تعریف این مفهوم را با بررسی معنای تساوی آغاز می‌کند. برخی از مؤلفان نیز این معنا از عدالت را نزد خواجه تمیز داده و وجه ممیزه شمرده‌اند و از جمله معتقدند: «عدالت در مدینه فاضله خواجه نصیرالدین طوسی، همان عدالت افلاطونی و فارابی است و تحقق آن، وابسته به این است که هر کس برحسب شایستگی در پایگاه راستین خود جای گیرد و به کاری بپردازد که با سرشت و استعداد او سازگار است. هیچ کس نباید بیش از یک پیشه داشته باشد؛ زیرا طبایع مردم اقتضا می‌کند که به کاری که شایسته آنند، بپردازند» (Asil, 2002). با توجه به مطالب ذکر شده تعاریف عدالت و مقام آن در فلسفه سیاسی خواجه نصیر طوسی می‌توان چنین جمع‌بندی کرد (جدول ۲) و (شکل ۲):

- ریشه الهی داشتن عدالت و اینکه عادل اصلی ذات الهی است و ضرورت دارد همه در عدالت به عدل وی تأسی نمایند؛
- عدالت به معنای ایفای اهلیت و استعدادها و رعایت استحقاق‌ها و سلسله مراتب است نه تساوی مطلق؛
- عدالت در مدینه، تقسیم مساوی خیرات مشترک عمومی است؛
- عدالت، هدف قوانین مدینه است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. تعیین وزن شاخص‌ها توسط مدل آنتروپی شانون

در شروع محاسبات، ابتدا وزن شاخص‌ها پس از تشکیل ماتریس گزینه و شاخص‌ها و طی مراحل آن محاسبه گردیده‌است (جدول ۳).

۵-۲. رتبه‌بندی محلات بر اساس عدالت از بُعد کالبدی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی

پس از مشخص شدن وزن هر یک از شاخص‌ها با مدل آنتروپی شانون به رتبه‌بندی محلات به روش تاپسیس پرداخته شده‌است (جدول ۴).

همان‌طور که از جدول بالا مشخص است عدالت به لحاظ کالبدی که بیشتر با تأکید بر کاربری‌های خدماتی است. باغشمال، کوی دانشگاه، کوی سپهر، یاغچیان، کوی استانداری، رجائی شهر، کوچه باغ، ویجویه، زعفرانیه، رسالت به ترتیب رتبه‌های یک تا ده و وضعیت بهتری نسبت به سایر محلات دارند. هرچند قابل ذکر است به لحاظ تحقق سرانه کاربری‌های خدماتی محلات به هیچ عنوان رضایت‌بخش نیستند و محلات حکم‌آباد، عمو زین‌الدین، حلمه سازاندا، امیرخیز، خیابان، منصور، فتح‌آباد، قراملک، سرخاب و گجیل، جزء ده رتبه‌ی انتهایی قرار دارند. محلات شاهگلی، کوی استانداری، پرواز، فرشته، ولیعصر جنوبی، فردوس،

الهی پرست، مفتوح، رجایی شهر و آبرسان، جز ده محله‌ی نخست و محلات مقصودیه، امامیه، شهرک اندیشه، کشتارگاه، بالاحمام، گجیل، کوچه‌باغ، گل پارک، کوی دانشگاه و باغشمال، ده محله‌ی آخر در رتبه‌بندی به لحاظ عدالت از بعد اجتماعی - فرهنگی هستند. الهی پرست، فرشته، مرزداران، شهناز، شاهگلی، ولیعصر، الهیه، پرواز، منصور و مقصودیه، رتبه‌های یک تا ده را به لحاظ عدالت از بعد اقتصادی دارند و محلات شهرک طالقانی، بهمن‌آباد، اسماعیل بقال، دامپزشکی، بهاران، آخماقیه، ولی‌امر، شهرک امام، شهرک اندیشه و یوسف‌آباد، ده محله‌ی رده‌ی پایین جدول هستند (شکل ۳).

جدول ۲: عدالت از منظر حکما و علمای مسلمان

نام و تاریخ	نام اثر آرمان گر	نام جامعه‌ی آرمانی	ویژگی	هدف	اصول عدالت	اصول عدالت اجتماعی
فارابی (۳۲۹-۲۵۹ هـ ق)	آرای اهل مدینه فاضله و السیاسه	مدینه فاضله	نگاه اندام‌گرا به شهر	سعادت معنوی	عدالت از منظر توزیع عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها	برابری اجتماعی و اقتصادی
ابوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰ هـ ق)	الشفاء	دادشهر (آیین شهر)	عدالت	ارائه سنت فرهی (کریمه) برپایه شریعت	عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها عدالت از منظر روند کار	برابری اجتماعی و اقتصادی برابری روند کاری
ابن رشد (۵۹۲-۵۲۰ هـ ق)	-	اجتماع فضیلت محور	شریعت اسلامی	رسیدن به فضیلت، کمال و کمال‌یابی	عدالت از منظر توزیع عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها عدالت از منظر روند کار	برابری اجتماعی و اقتصادی برابری روند کاری
خواجه‌نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۸ هـ ق)	خالق ناصری	-	نابرابری آدمیان و تقسیم کار اجتماعی	ایجاد اشتراک در آرا و افعال	عدالت از منظر توزیع عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها	برابری اجتماعی و اقتصادی

معیارهای عدالت اجتماعی در آرمانشهر اسلامی از منظر معصومین، احادیث و علما



شکل ۲: معیارهای عدالت اخذ شده از اندیشه‌های آرمان شهر اسلامی

جدول ۳: وزن شاخص‌ها

شاخص	Wj	شاخص	Wj
تراکم جمعیتی	۰,۰۰۴۱۶۶	نسبت جنسی	۰,۰۰۱۲۳۸
نسبت مسکن کم‌دوام	۰,۱۴۲۵۲۴	نسبت جنسی باسواد	۰,۰۰۱۳۹
نسبت مسکن بادوام	۰,۰۰۱۵۳۹	نسبت متاهلین	۰,۰۰۱۱۹۸
نسبت مسکن اجاره‌ای	۰,۰۰۱۹۹۸	تجهیزات شهری	۰,۰۸۹۹۲۲
نسبت مالکین عرصه و اعیان	۰,۰۰۱۰۱	تأسیسات شهری	۰,۱۲۰۵۸
نسبت مهاجرین	۰,۰۰۹۳۶۳	مذهبی	۰,۰۵۶۹۰۸
نسبت بی‌کاری	۰,۰۰۱۹۳۳	پارک و فضای سبز	۰,۰۸۹۴۵۶
نسبت شاغلین	۰,۰۰۱۲۰۲	فرهنگی هنری	۰,۱۱۵۷۹
نسبت باسواد	۰,۰۰۱۳۷۹	درمانی	۰,۵۶۱۵۶
نسبت بالای ۶۵ سال	۰,۰۰۵۵۵	ورزشی	۰,۱۴۳۴۹۵
نسبت زیر ۴ سال	۰,۰۰۱۱۶۸	اداری و انتظامی	۰,۱۱۵۲۱۱
بعد خانوار	۰,۰۰۱۱۴۹	آموزشی	۰,۰۳۸۷۴۵
بار تکفل	۰,۰۰۱۱۳۴		

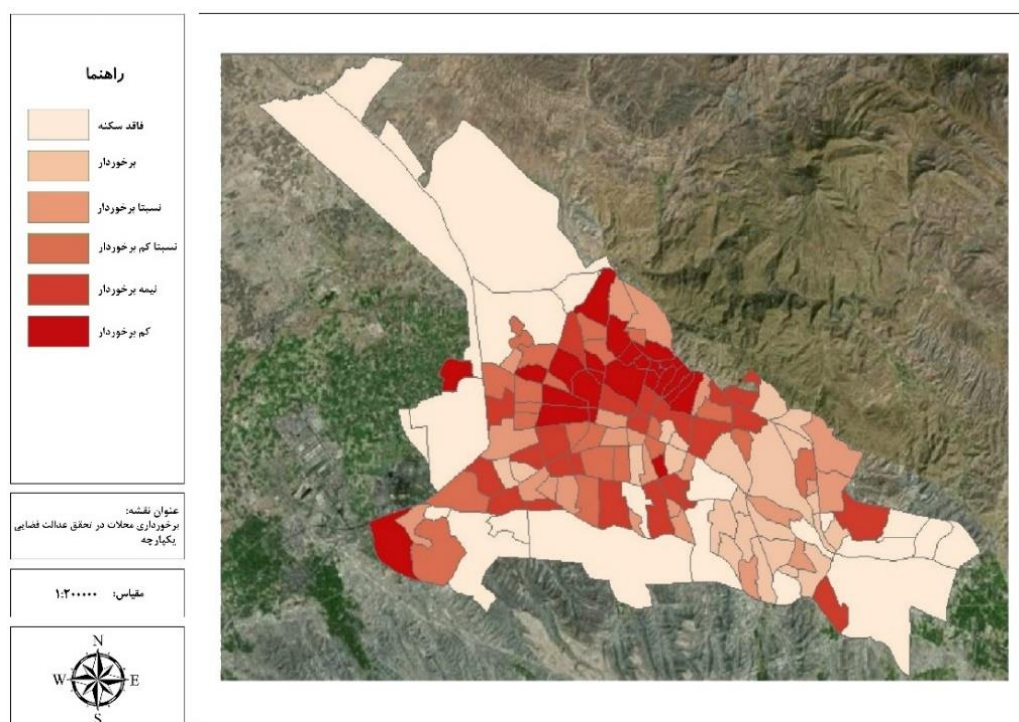
جدول ۴: رتبه‌بندی محلات با به‌کارگیری مدل تاپسیس

رتبه نهایی	اجتماعی	اقتصادی	کالبدی	محل	رتبه نهایی	اجتماعی	اقتصادی	کالبدی	محل
۱۳	۱	۵	۳۱	شاهگلی	۱	۲	۴۱	۵	کوی استانداری
۱۴	۹۱	۳۳	۳۲	جلالیه	۲	۴۵	۶	۱۵	ولیعصر
۱۵	۹۹	۳	۱۴	مرزداران	۳	۱۳	۴۵	۱۸	گلشهر
۱۶	۱۱۶	۷۴	۱	باغشمال	۴	۴	۲	۳۶	فرشته
۱۷	۹	۶۹	۶	رجائی شهر	۵	۱۰۱	۷۳	۵۱	میرداماد
۱۸	۴۲	۵۱	۲۴	گلکار	۶	۷	۱	۱۶	الهی‌پرست
۱۹	۱۰۳	۴۲	۳۹	رشدیه	۷	۶	۱۱	۲۸	فردوس
۲۰	۱۰۲	۵۷	۴	یاغچیان	۸	۷۸	۵۸	۳	کوی سپهر
۲۱	۶۷	۵۳	۹	زعفرانیه	۹	۱۰	۱۵	۹۲	آبرسان
۲۲	۴۶	۲۴	۷۵	کلاتر کوچه	۱۰	۳	۸	۲۷	پرواز
۲۳	۶۰	۸۱	۱۰۶	رازی	۱۱	۸۰	۷	۴۲	الهیه
۲۴	۱۰۴	۵۲	۵۰	نصر	۱۲	۷۹	۱۹	۲۵	تپلی‌باغ
۵۸	۸۹	۱۰۵	۱۰	رسالت	۲۵	۶۴	۴۸	۲۹	استادان
۵۹	۵۵	۶۴	۶۴	ابوریحان	۲۶	۵	۴۰	۳۸	ولیعصر جنوبی
۶۰	۲۸	۴۷	۵۸	یکه‌دکان	۲۷	۵۱	۳۱	۵۷	حافظ
۶۱	۵۹	۸۶	۶۰	بهاران ۱	۲۸	۹۳	۵۵	۴۶	رواسان
۶۲	۸۸	۶۲	۶۵	بیانکوه	۲۹	۳۹	۶۶	۴۰	شمس‌آباد
۶۳	۸۱	۵۴	۷۷	بازار	۳۰	۱۸	۱۱۰	۸۵	دامپزشکی
۶۴	۲۹	۸۵	۴۳	قورخانه	۳۱	۹۲	۲۸	۳۰	خطیب
۶۵	۳۶	۷۱	۶۳	مارالان	۳۲	۷۲	۴۳	۱۹	گلاباد
۶۶	۲۰	۷۷	۷۱	قطران	۳۳	۸۵	۹	۱۱۲	منصور

اسلام آباد	۵۴	۹۶	۶۹	۳۴	ششگلان	۷۴	۷۰	۹۷	۶۷
منظره	۶۲	۱۷	۹۰	۳۵	کوی شهید بهشتی	۴۵	۶۳	۱۶	۶۸
یوسف آباد	۱۰۱	۱۱۶	۶۱	۳۶	گلگشت	۸۱	۶۵	۱۲	۶۹
باغمیسه جدید	۵۲	۱۰۱	۵۴	۳۷	لیل آباد	۵۶	۳۴	۹۸	۷۰
شهناز	۹۹	۴	۱۱	۳۸	آخونی	۷۶	۵۹	۳۳	۷۱
ارم	۴۱	۱۰۳	۴۳	۳۹	ورزش	۳۴	۱۶	۷۰	۷۲
اسلامشهر	۱۰۵	۶۷	۲۱	۴۰	جمشیدآباد	۷۳	۳۷	۲۷	۷۳
سهند	۱۷	۷۲	۱۰۵	۴۱	لیل آباد	۴۹	۹۸	۶۳	۷۴
بهاران	۵۳	۱۱۱	۷۶	۴۲	آخونی	۴۸	۱۱۴	۷۴	۷۵
کوی دانشگاه	۲	۷۵	۱۱۵	۴۳	ورزش	۱۱۰	۱۰۲	۱۰۸	۷۶
مقصودیه	۶۹	۱۰	۱۰۷	۴۴	جمشیدآباد	۱۳	۳۶	۲۲	۷۷
زنگوله باغ	۵۵	۳۹	۲۳	۴۵	شهرک چمران	۷۸	۲۷	۱۱۱	۷۸
پارک جنگلی ارم	۳۵	۹۱	۱۴	۴۶	شهرک امام	۸۰	۶۰	۳۰	۷۹
طالقانی	۲۳	۸۲	۳۲	۴۷	امامیه	۸۳	۲۰	۹۴	۸۰
شهرک مصلی	۱۱	۲۳	۶۵	۴۸	کوی لاله	۹۵	۱۱۵	۱۰۹	۸۱
وزیرآباد	۷۲	۱۴	۷۳	۴۹	بالاحمام	۷۹	۸۷	۷۵	۸۲
دانشسرا	۱۲	۱۸	۸۳	۵۰	عباسی	۸۹	۱۲	۲۶	۸۳
ولی امر	۴۴	۱۱۳	۹۶	۵۱	بهار	۱۰۸	۱۰۶	۹۵	۸۴
شام غازان	۵۹	۹۲	۵۸	۵۲	شهرک اندیشه	۸۷	۷۹	۵۳	۸۵
پل سنگی	۸۲	۶۱	۴۹	۵۳	شهید بهشتی	۸۶	۲۹	۱۱۴	۸۶
شهرک طالقانی	۱۰۰	۱۰۷	۱۰۶	۵۴	خیام	۱۱۱	۴۹	۸۲	۸۷
باغمیسه قدیم	۶۱	۵۰	۲۴	۵۵	عمو زین الدین	۹۶	۲۲	۵۷	۸۸
فتح آباد	۱۱۳	۴۶	۸۴	۵۶	چرنداب	۹۰	۴۴	۱۰۰	۸۹
لاله	۶۶	۹۴	۴۸	۵۷	بهمن آباد	۹۱	۱۰۸	۶۲	۹۰
کشتارگاه	۷۰	۵۶	۱۱۰	۹۱	سیلاب قوشخانه	۱۰۴	۹۰	۱۵	۱۰۴
شربت زاده	۸۴	۲۱	۵۰	۹۲	اسماعیل بقال	۲۰	۱۰۹	۴۴	۱۰۵
اخماقیه	۲۶	۱۱۲	۵۲	۹۳	دوه چی	۶۸	۱۳	۸۷	۱۰۶
قراملک	۱۱۴	۳۸	۴۷	۹۴	حکم آباد	۱۰۷	۹۷	۴۰	۱۰۷
۴۲ متری	۹۴	۸۳	۳۸	۹۵	حلمه سازاندا	۱۰۹	۳۰	۵۶	۱۰۸
مالازینال	۶۷	۸۹	۳۱	۹۶	ویجویه	۸	۸۴	۱۹	۱۰۹
ایده لو	۲۲	۹۳	۳۷	۹۷	امیرخیز	۱۰۲	۳۲	۴۱	۱۱۰
قره آغاج	۹۳	۲۶	۸۶	۹۸	خلیل آباد	۴۷	۸۸	۲۵	۱۱۱
شالچیلار	۹۷	۳۵	۶۶	۹۹	گجیل	۱۱۶	۶۸	۱۱۲	۱۱۲
کوچه باغ	۷	۱۰۴	۱۱۳	۱۰۰	منبع	۲۱	۱۰۰	۳۵	۱۱۳
رضوانشهر	۳۷	۹۵	۱۷	۱۰۱	قربانی	۹۸	۹۹	۷۱	۱۱۴
انبار سرد	۸۸	۷۸	۷۷	۱۰۲	سرخاب	۱۱۵	۷۶	۶۸	۱۱۵
چوستدوزان	۱۰۳	۲۵	۳۴	۱۰۳	مفتح	۳۳	۸۰	۸	۱۱۶

۳-۵. تحلیل میزان خوشه شدگی محلات از منظر برخورداری

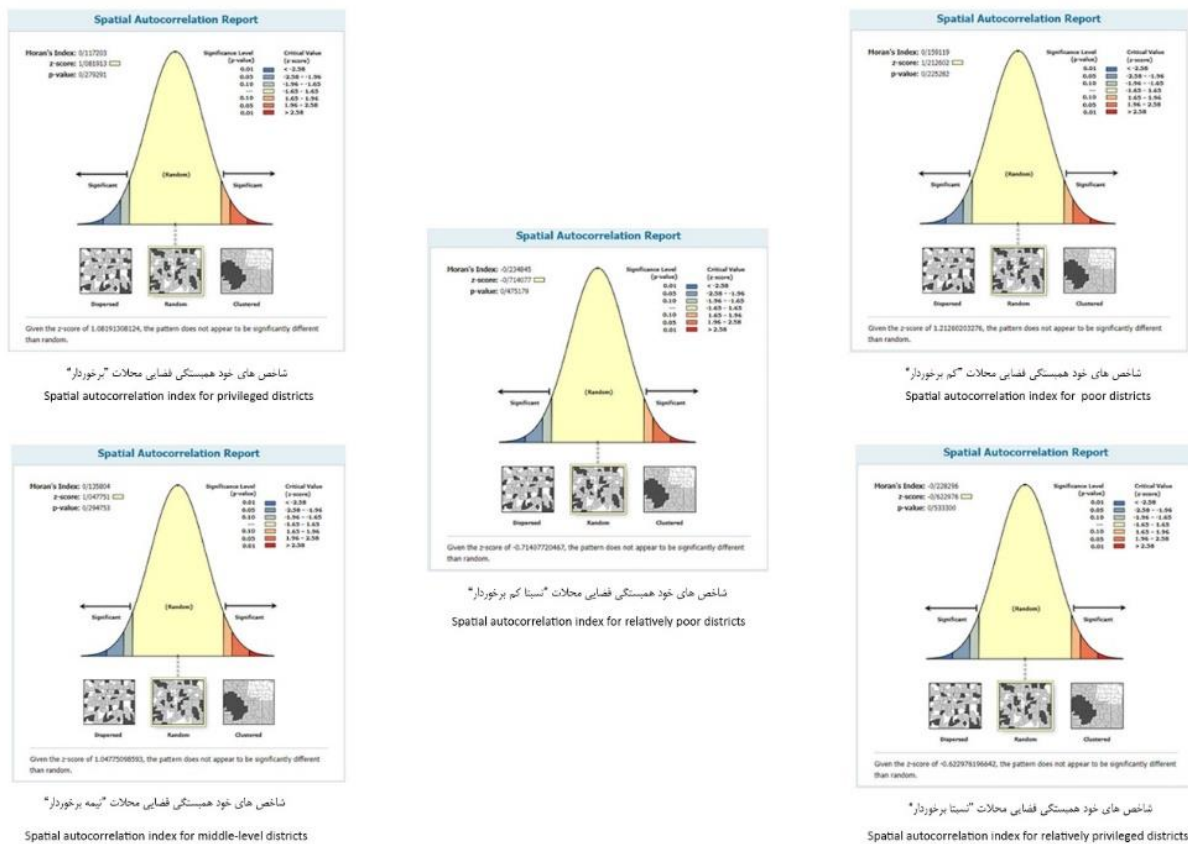
در این بخش نیز از شاخص موران عمومی جهت بررسی میزان خوشه‌ای شدن محلات برخوردار، نسبتاً برخوردار، نیمه‌برخوردار، نسبتاً کم‌برخوردار و کم‌برخوردار در کلان شهر تبریز مورد استفاده قرار گرفته‌است. شاخص موران عمومی برای محلات برخوردار با مقدار موران عمومی ۰,۱۲ و متغیر نرمال استاندارد ۱,۰۸ (بالا تر بودن متغیر نرمال از ۲/۵۸ نشان‌دهنده خوشه شدن آن محله در فضا با سطح اطمینان بیش از ۹۹٪ است) نشان می‌دهد که محلات این دسته خوشه‌ای نشده و به صورت تصادفی در سطح شهر توزیع شده‌اند. مشابه با این دسته، محلات کم‌برخوردار نیز با مقدار موران عمومی ۰,۱۶ و متغیر نرمال استاندارد ۱,۲۱ همین مسئله را نشان می‌دهد. شاخص موران عمومی برای محلات نیمه‌برخوردار با اندازه ۰,۱۴ و متغیر نرمال استاندارد ۱,۰۵ نشان می‌دهد که این دسته از محلات نیز تمایل به خوشه شدن نداشته‌اند؛ شاخص موران عمومی و متغیر استاندارد برای محلات نسبتاً برخوردار و نسبتاً کم‌برخوردار نیز نشانگر عدم خوشه شدن این تیپ محلات است (جدول ۵)، همچنین همان‌طور که پیش از این گفته شد در تعیین موران عمومی از نرم افزار ArcGIS استفاده شده‌است. متغیر نرمال استاندارد (z-score) و پی-مقدار (p-value) برای هر سه گروه در جدول ۵ آورده شده‌است و z-score منفی طبق توضیحات نرم‌افزار نشان‌دهنده توزیع پراکنده و z-score مثبت هم نشان‌دهنده خوشه شدن مشاهدات است. شایان ذکر است که هدف بیش از آن‌که بررسی منفرد مقادیر موران عمومی باشد، مقایسه این مقادیر برای هر ۵ گروه از محلات بوده‌است. مقایسه مقادیر موران عمومی برای این ۵ گروه نیز به خوبی نشان می‌دهد که هر ۵ گونه محلات به صورت تصادفی در سطح کلان شهر تبریز توزیع شده‌اند (شکل ۴).



شکل ۳. وضعیت عدالت اجتماعی در محلات شهر

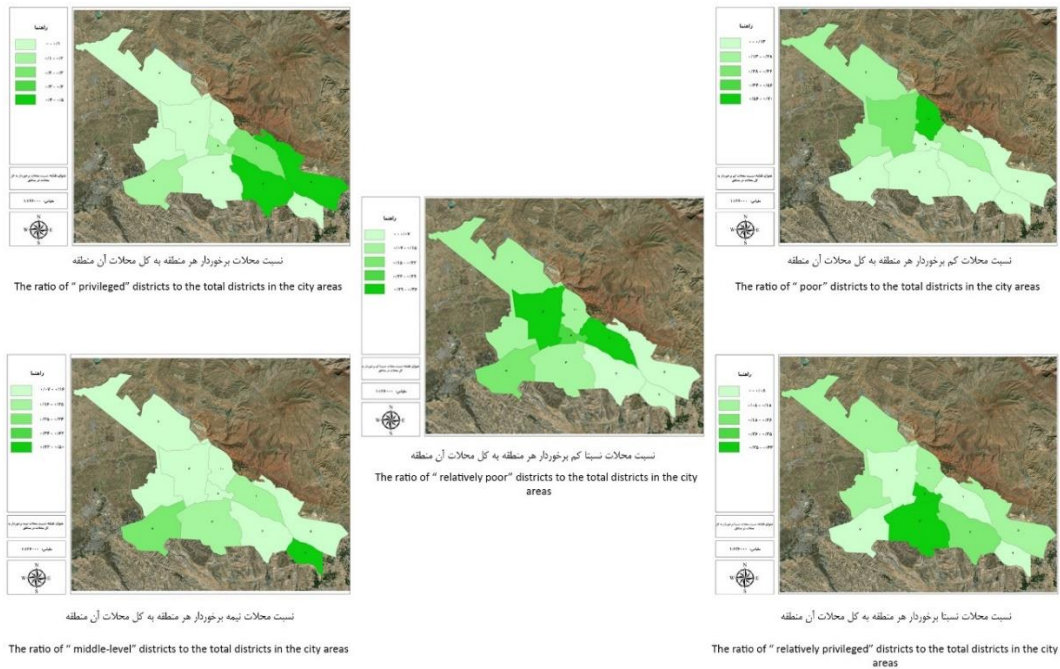
جدول ۵: شاخص‌های خودهمبستگی فضایی

کم برخوردار	نسبتاً کم برخوردار	نیمه برخوردار	نسبتاً برخوردار	برخوردار	
۰,۱۶	-۰,۲۳	۰,۱۴	-۰,۲۳	۰,۱۲	شاخص موران عمومی
۰,۲۳	۰,۴۷	۰,۲۹	۰,۵۳	۰,۲۷	پی-مقدار (p-value)
۱,۲۱	-۰,۷۱	۱,۰۵	-۰,۶۲	۱,۰۸	متغیر نرمال استاندارد (z-score)

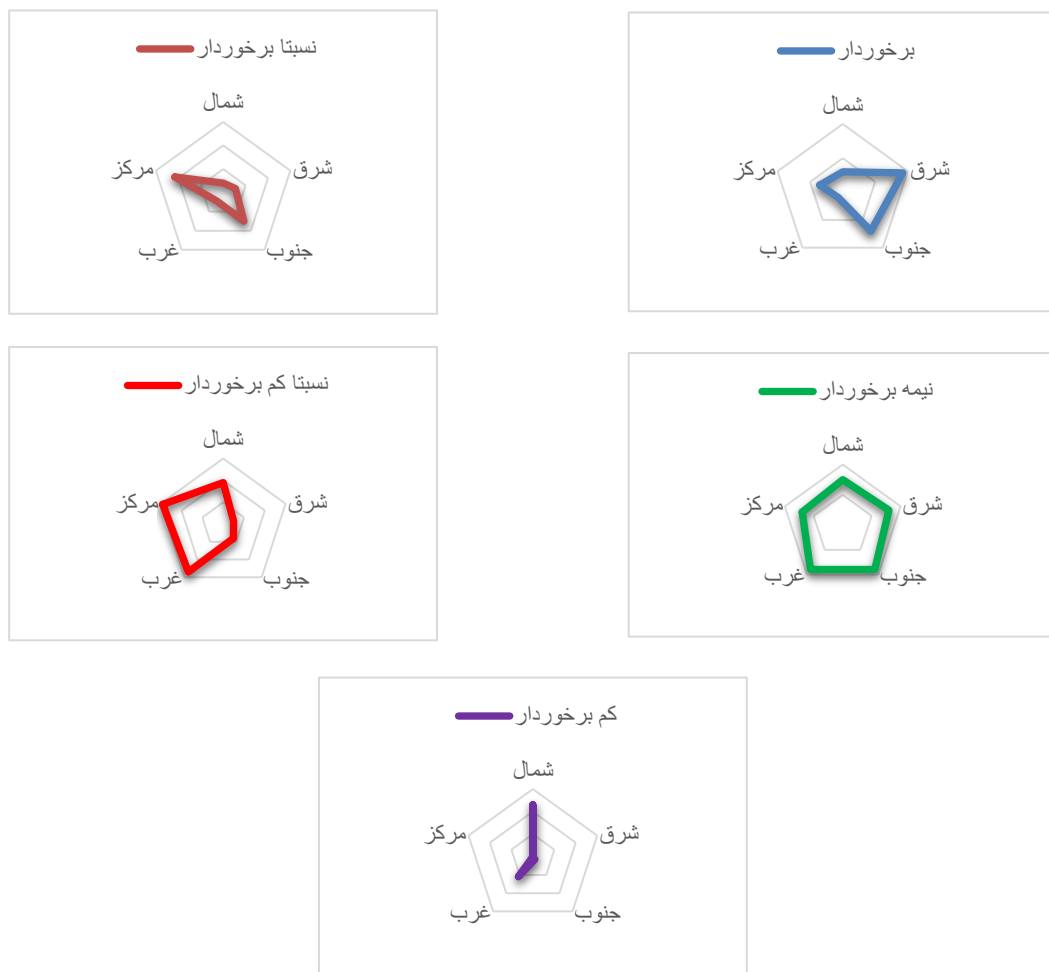


شکل ۴. شاخص‌های خودهمبستگی فضایی محلات در سطوح مختلف برخورداری

با مشاهده‌ی (شکل ۵) و (شکل ۶) که نشان‌دهنده محلات برخوردار، نسبتاً برخوردار، نیمه‌برخوردار، نسبتاً کم‌برخوردار و کم-برخوردار به‌کل محلات آن منطقه از کلان شهر تبریز هستند، در کنار تحلیل موران صورت گرفته برای هر یک از این گونه از محلات که در بخش قبل صورت پذیرفت، می‌توان توزیع نسبتاً متعادلی از محلات ۵ گانه را در سطح کلان شهر تبریز مشاهده کرد. با این حال می‌توان دید که محلات «کم‌برخوردار» به‌کل محلات منطقه در مناطق شمالی نسبت بیشتری به خود اختصاص داده‌است. به‌طوری‌که در منطقه ۱۰ بیش از ۶۰ درصد محلات از نوع کم‌برخوردارند؛ اما در مقابل محلات «برخوردار» عمدتاً در مناطق شرقی تبریز نسبت بیشتری دارند. به گونه‌ای که در مناطق ۲ و ۵ نسبت محلات برخوردار به‌کل محلات منطقه به حدود ۵۰ درصد می‌رسد. تمرکز محلات «نسبتاً برخوردار» شهر نیز عمدتاً در مناطق ۳ و ۸ هستند. چنانکه مطالعات حاکی از آن است که در این دو منطقه نسبت محلات نسبتاً برخوردار به‌کل محلات آن منطقه حدوداً ۴۰ درصد است. نسبت محلات «نسبتاً کم‌برخوردار» به‌کل محلات هر منطقه نیز در منطقه ۱ و ۴ میزان بیشتری را به خود اختصاص داده و در حدود ۳۵ درصد محلات این مناطق از نوع نسبتاً کم‌برخوردارند و نهایتاً محلات «نیمه برخوردار» عمدتاً در منطقه ۹ کلان شهر تبریز قرار دارند. به گونه‌ای که نسبت این نوع محلات به‌کل محلات منطقه ۹ در حدود ۴۵ درصد است. قابل ذکر است منطقه ۷ تبریز تمرکز قابل توجهی از محلات ۵ گانه را ندارد و ترکیب از محلات «نسبتاً کم‌برخوردار» و «نیمه‌برخوردار» را در خود جای داده‌است؛ به شکلی که نسبتاً هر از این محلات به‌کل محلات منطقه هفت، به ترتیب حدوداً ۲۰ و ۳۰ درصد است.



شکل ۵. نسبت سطوح مختلف برخورداری محلات به کل محلات در مناطق



شکل ۶. نمودار راداری نسبت محلات برخوردار و نسبتاً برخوردار، نیمه برخوردار، نسبتاً کم برخوردار و کم برخوردار به کل محلات در شهر تبریز

۶. نتیجه گیری

یکی از بارزترین و مهمترین فضایل و ارزش‌های آدمیان به عنوان اصول خدشه‌ناپذیر زندگی در تاریخ بشری، «عدالت اجتماعی» است. زمانی که اسلام در قرن هفتم میلادی به‌ظهور رسید، اصول اساسی آن از بین بردن نابرابری و بی‌عدالتی‌های دوران پیش از اسلام، تأمین حقوق اساسی مظلومان و استقرار عدالت در بین مردم بود. از لحاظ بررسی علمی، شهر اسلامی و ارتباط آن با عدالت اجتماعی موضوع مهم و تازه‌ای است که در طی سال‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته است. در الگوی شهر اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و به‌طور حتم، تمامی شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر بر اساس این عامل نظام و هویت می‌یابند. شهر اسلامی واقعیتهای اجتماعی است که محقق هم به دنبال تبیین کنش انسانی و هم تبیین آن به عنوان نهاد اجتماعی است. به همین منظور پژوهش حاضر عدالت اجتماعی را از دیدگاه شهرسازی اسلامی در سه بعد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی در سطح محلات عرفی شهر تبریز مورد تجزیه تحلیل قرار داده است؛ پس از مطرح کردن مبانی نظری بحث شهرسازی اسلامی و عدالت اجتماعی و شناخت محدوده که به شناخت شهر تبریز به صورت کلی و به صورت جزئی در محلات و توضیحات لازم در چگونگی تولید و جمع‌آوری داده‌ها، همچنین روش‌های تجزیه و تحلیل که از سه روش آنتروپی شانون، تاپسیس استفاده شده بود، به تجزیه تحلیل عدالت اجتماعی در سه بعد و شامل ۱۷ شاخص، پرداخته شد. نتایج نشان داد در بعد کالبدی که بیشتر با تأکید بر کاربری‌های خدماتی بود، محلات باغشمال، کوی دانشگاه، کوی سپهر، یاغچیان، کوی-استاندار، رجائی شهر، کوچه باغ، ویجویه، زعفرانیه و رسالت، به ترتیب در رتبه‌های یک تا ده قرار گرفتند. در بعد اجتماعی و فرهنگی محلات شاهگلی، کوی استاندار، پرواز، فرشته، ولیعصر جنوبی، فردوس، الهی‌پرست، مفتوح، رجایی شهر و آبرسان، رتبه‌های یک تا ده را کسب کردند و در بعد اقتصادی محلات الهی‌پرست، فرشته، مرزداران، شهناز، شاهگلی، ولیعصر، الهیه، پرواز، منصور و مقصودیه، رتبه‌های یک تا ده به دست آورده و در نهایت در ارزیابی یکپارچه‌ی هر سه بعد یاد شده، محلات کوی استاندار، ولیعصر، گلشهر، فرشته، میرداماد، الهی‌پرست، فردوس، کوی سپهر، آبرسان و پرواز، در رتبه‌های یک تا ده قرار گرفتند. همان‌طور که از نتایج محاسبات برمی‌آید، محلات در سمت شرق وضعیت بهتری دارند. همچنین بررسی خودهمبستگی فضایی از میزان برخورداری محلات در سطح مناطق، حاکی از آن است خوشه‌شدگی قابل‌ذکری در سطح کلان شهر تبریز وجود ندارد. در نهایت قابل‌ذکر است برای رسیدن به یک الگو توزیع عادلانه و پایدار خدمات عمومی شهری، نقش شهروندان و مشارکت آنها در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری غیرقابل‌انکار است. پس لازم است زمینه حضور و مشارکت آگاهانه شهروندان در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در سطح شهر و محلات شهری خاصه در مناطق محروم و فقیرنشین، نهادینه شود.

راهکارها یا راهبردهایی برای ارتقای عدالت اجتماعی

- مکان‌یابی توزیع و تخصیص بودجه برای خدمات شهری، می‌بایست بر اساس سطح نیازمندی حال و آینده ساکنین شهر و با تأکید بر تخصیص منابع به مناطق محروم و نیازمند توسعه بیشتر باشد. به‌طوری‌که سطح برخورداری ساکنین با سطح نیازمندی آنها تطابق داشته باشد؛
- برای رسیدن به یک الگو توزیع عادلانه و پایدار خدمات عمومی شهری، نقش شهروندان و مشارکت آنها در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری غیرقابل‌انکار است. پس لازم است زمینه حضور و مشارکت آگاهانه شهروندان در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در سطح شهر و محلات شهری خاصه در مناطق محروم و فقیرنشین، نهادینه شود؛
- توزیع خدمات شهری باید بر اساس تغییرات جمعیتی اعمال شود و شعاع خدمات‌رسانی و کارایی تسهیلات به عنوان

عاملی تأثیرگذار در سنجش عدالت مدنظر باشد؛

- برای سنجش وضعیت عدالت در سطح شهر، توزیع خدمات به سبب پیوند فضایی - عملکردی، می‌بایست در ارتباط با هم در نظر گرفته شود که نیاز به هماهنگی بین مدیریت‌های متنوع در توزیع این خدمات است و مدیریت یکپارچه شهری می‌تواند راه حل مناسبی در این زمینه باشد؛
- پیشنهاد می‌شود که بین سطح محرومیت ساکنین و دستیابی به خدمات روندی معکوس اتفاق بیافتد. به عبارت دیگر محلات محروم اجتماعی اقتصادی، حداقل از بعد فضایی در محرومیت قرار نگیرند و این نیازمند سیاست‌گذاری در سطح سازمان‌های مرتبط برای توجه به عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی شهری است؛
- تجمع خدمات عمومی در هسته شهر باعث به وجود آمدن جاذبه عملکردی، تک هسته‌ای شدن شهر و شکل گرفتن تضاد طبقاتی در شهر است که این عوامل تشدیدکننده بی‌عدالتی فضایی هستند؛ پس در مراحل اولیه رشد و توسعه شهر، می‌بایست تمرکززدایی در توزیع خدمات در سطح شهر، مدنظر باشد؛
- ارزیابی متداوم پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در فضاهای شهری در راستای سنجش میزان عدالت اجتماعی؛
- تأمین نیازهای اساسی شهروندان در چارچوب طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی، اجتماعی و اقتصادی؛
- رفع نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری اقشار کم‌درآمد؛
- لزوم تهیه سند توسعه محلات؛
- تهیه طرح راهبردی شهری و جایگزینی با طرح جامع شهری که صرفاً کالبدنگر است؛
- باتوجه به پتانسیل‌های موجود در شهر در بعد اقتصادی استفاده از پتانسیل‌ها در جهت رفع اختلافات لازم‌الاجرا است و می‌توان با استفاده از روش‌های مشارکت بخش عمومی و خصوصی (3P¹) و مشارکت بخش عمومی، خصوصی و مردمی (4P²) اقدام به ایجاد اشتغال و کاهش بار تکفل و مسکن اجاره‌ای و بی‌کاری کرد.

سیاسگزاری

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان ارزیابی جایگاه شهر تبریز از منظر الگوی شهر اسلامی با تأکید بر عدالت فضایی که برای مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلان‌شهر تبریز تدوین شده است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول در بخش مفهوم سازی و تحلیل داده‌ها، نویسنده دوم در جمع‌آوری داده، روش‌شناسی نویسنده سوم در بخش تحلیل نرم‌افزاری و نویسنده چهارم در تدوین گزارش مشارکت داشته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

1. Public-private partnership
2. Public, private, people partnership

فهرست منابع

- Akhavan kazemi, Bahram. (2000). "The theory of justice in the political philosophy of Bu Ali Sina." Quarterly philosophy letter 9: 121-134. [In Persian]
- اخوان‌کازمی، بهرام. (۱۳۷۹). «نظریه عدالت در فلسفه‌ی سیاسی بوعلی سینا». نامه فلسفه ۹، ۱۲۱-۱۳۴.
- Akochchian, Ahmed.(2008). "From philosophical utopia to developmental utopia." The first conference of Islamic Utopia.

- Isfahan. [In Persian]
- آکوچکیان، احمد. (۱۳۸۷). «از آرمان شهر فلسفی تا آرمان شهر توسعه‌ای». نخستین همایش آرمان شهر اسلامی. اصفهان.
- Alipour, Fayaz, and SHaghayegh SHafipour. (2017). "investigation of iranian - islamic urban architecture." international conference on new researches in civil engineering , architecture , urban management and environment. Karaj. [In Persian]
- علیپور، فیاض. شیفع‌پور، شقایق. (۱۳۹۶). «بررسی معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی». کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری، مدیریت شهری و محیط زیست: کرج.
- Asadi, Zahra, and Mostafa Dehghan. (2019). "Investigating Islamic urban planning and modern urban planning (case study: Qom city)." The 6th National Conference on New Technologies in Civil Engineering, Architecture and Urban Planning. Tehran. [In Persian]
- اسدی، زهرا. دهقان، مصطفی. (۱۳۹۸). «بررسی شهرسازی اسلامی و شهرسازی نوین (نمونه مورد مطالعه: شهر قم)». ششمین کنفرانس ملی فناوری‌های نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی. تهران.
- Asil, Hojjatullah. (2002). Utopia in Iranian thought. Tehran: Ney publication. [In Persian]
- اصیل، حجت‌الله. (۱۳۹۳). آرمان شهر در اندیشه ایرانی. نشر نی: تهران.
- Asqar pour, Mohammad javad. (2008). Multi-criteria decision making. tehran: Tehran University Publications. [In Persian]
- اصغرپور، محمدجواد. (۱۳۹۲). تصمیم‌گیری‌های چند معیاره. موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران: تهران.
- Azar, Adel, and Ali Rajabzadeh. (2008). MADM approach applied decision making. tehran: Negha Danesh Publications. [In Persian]
- آذر، عادل. رجب‌زاده، علی. (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری کاربردی (رویکرد MADM). نگاه دانش: تهران.
- Azizi, Mohammad Mehdi, Esfandiar Zebardast, and Reza Akbari. (2018). "Analyzing the crystallization of environmental justice in Islamic utopian thought for application in Islamic urban planning, a case study: Banyan Sefin Kish village neighborhood." Studies of the Islamic Iranian city 9.34: 5-22. [In Persian]
- عزیزی، محمدمهدی. زبردست، اسفندیار. اکبری، رضا. (۱۳۹۷). «واکاوی تبلور عدالت محیطی در اندیشه آرمان شهری اسلامی جهت کاربست در شهرسازی اسلامی؛ مطالعه موردی: محله روستا بنیان سفین کیش». مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۹، ۳۴، ۵-۲۲.
- Dargahi, Farzad, and Javad Imani Shamloo. (2023). "Investigating the realization of spatial justice based on multi-criteria decision-making methods in a metropolis in northwest Iran." Sustainable Cities and Society 99.
- Fozi, Yahya, and Rohullah Moradi. (2010). "A Comparative Study of Social Justice in Islam and the West (A case study the theory of justice in Viewpoints of Imam Khomeini and John Rawls)." research journal matin 12.48: 94-117. [In Persian]
- فوزی، یحیی. مرادی، روح‌الله. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در اسلام و غرب (بررسی موردی نظریه عدالت در اندیشه های امام خمینی و جان راولز)». پژوهشنامه‌ی متین ۱۲، ۴۸، ۹۴-۱۱۷.
- GHolami Bimorgh, Younes. (2012). An analysis of existing urban spaces to reach the Iranian-Islamic city model." Doctoral thesis in the field of geography and urban planning. [In Persian]
- غلامی بيمرغ، یونس. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر فضاهای شهری موجود برای رسیدن به الگوی شهر ایرانی - اسلامی (نمونه موردی: شهر اصفهان) (پایان‌نامه دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه اصفهان - دانشکده جغرافیا: اصفهان.
- Habibiyan, Homa, and Nasim Jalaliyan. (2015). "Application of islamic urbanplannig indicators in the urban space." National conference of native Architecture and Urban Planning of iran. yazd. [In Persian]
- حبیبیان، هما. جلالیان، نسیم. (۱۳۹۴). «تطبیق شاخص‌های شهرسازی اسلامی در فضای شهری». همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران. یزد.
- Hekmatneia, Hasan, and Mirnajaf Mousavei. (2005). "A Study and Analysis of Process of Development Levels Changing and Regional Inequalities in Yazd Province During 1976-1996." Geography and Development 2.4: 101-112. [In Persian]
- حکمت‌نیا، حسن. موسوی، میرنجف. (۱۳۸۳). «بررسی و تحلیل روند تغییرات سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان یزد طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۵». جغرافیا و توسعه ۲، ۴.
- Ibn Rushd. (1998). Necessary in politics. Beirut: Arab Studies Center.
- Ibrahimzadeh, Issa, Mirnajaf Mousavi, and Shamsalla Kazemizad. (2012). "Spatial Analysis of Regional Disparities Between the Central and Border Areas of Iran." Geopolitics 8.25:214-235. [In Persian]
- ابراهیم‌زاده، عیسی. موسوی، میرنجف. کاظمی‌زاد، شمس‌اله. (۱۳۹۱). «تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران». ژئوپلیتیک ۸، ۲۵، ۲۱۴-۲۳.
- Kalantari KHALil Abad, Hossein, Mehdi Haqi, and Mohsen Dadkhah. (2014). "Social components of Iranian and Islamic urban planning model." nagshe jahan 4.1: 17-26. [In Persian]

کلانتری خلیل‌آباد، حسین. حقی، مهدی. دادخواه، محسن. (۱۳۹۳). «مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی». نقش جهان ۱، ۴، ۱۷-۲۶.

Kalantary, Abdolhossein, and Hasan Bakhshi Zade.(2020). "Criteria of social justice in the Islamic city." Social theories of Muslim thinkers 10.1: 9-30. [In Persian]

کلانتری، عبدالحسین. بخشی‌زاده، حسن. (۱۳۹۹). «معیارهای عدالت اجتماعی در شهر اسلامی». نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان ۱، ۱، ۹-۳۰.

KHadduri, Majid.(1984). The Islamic Conception of Justice. baltimore and london: The Johns Hopkins University Press.

KHatibi Koushk, Mohammad.(2006). shiite culture. Qom: zamzamhedayat. [In Persian]

خطیبی کوشک، محمد. (۱۳۸۵). فرهنگ شیعه. پژوهشکده تحقیقات اسلامی. زمزم هدایت: قم.

KHeyroddin, Reza.(2013). "Research on spatial-physical translation of Islamic concept of justice with cartographic analysis of spatial balance in 112 districts of Tehran metropolis." Journal of Researches in Islamic Architecture 1.1: 41-56. [In Persian]

خیرالدین، رضا. (۱۳۹۲). «پویشی در ترجمان فضایی - کالبدی مفهوم اسلامی عدالت با تحلیل کارتوگرافیک تعادل فضایی در نواحی ۱۱۲ گانه کلان شهر تهران». پژوهش‌های معماری اسلامی ۱، ۱، ۴۳-۵۷.

Kilini, Muhammad Bin Yaqub.(1971). Usul al-Kafi. tehran: elmie eslami,. [In Persian]

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۵۰). اصول کافی. ترجمه: سیدجواد مصطفوی، سیدهاشم رسولی محلاتی. علمیه اسلامی: تهران.

Lotfi, Sedigeh, Ayob Manochehri, and Hasan Ahaar.(2013). "City and Social Justice: Analyzing Neighborhoods Inequality(Case Study: Maragheh Neighborhood)." GeoRes 28.2: 69-92. [In Persian]

لطفی، صدیقه. منوچهری، ایوب. آهار، حسن. (۱۳۹۲). «شهر و عدالت اجتماعی، تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای (مورد: محلات مراغه)». تحقیقات جغرافیایی ۲، ۲۸، ۶۹-۹۲.

Master plan of Tabriz.(2016). Environmental consulting engineers. tabriz. [In Persian]

- مهندسين مشاور نقش محیط. (۱۳۹۵). طرح جامع شهر تبریز. تبریز.

Mazloum KHorasan, Mohammad, and Mozghan Azimi Hashemi.(2012). "Development and Social Inequalities in India." world studies quarterly 1.2: 7-48. [In Persian]

مظلوم خراسانی، محمد. عظیمی‌هاشمی، مژگان. (۱۳۹۱). «توسعه و نابرابری‌های اجتماعی در هند». فصلنامه مطالعات جهان ۲، ۱، ۷-۴۸.

Mirmiran, Seyede Mahdiye, and Fatemeh Elyasi.(2012). "The principles of Islamic urban planning from the Quranic point of view." The second national conference of the Islamic city. Esfahan. [In Persian]

میرمیران، سیده مهدیه. الیاسی، فاطمه. (۱۳۹۱). «اصول شهرسازی اسلامی از نظرگاه قرآنی». دومین همایش ملی شهر اسلامی. اصفهان.

Moradi, Behrooz.(2018). "Social criteria of justice in Islam." The 7th Conference on the Iranian Islamic Model of Progress. [In Persian]

مرادی، بهروز. (۱۳۹۷). «معیارهای اجتماعی عدالت در اسلام». هفتمین همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

Mousavi, Mirnajaf.(2012). "sustainable form of the city and social justice(case study: miandoaab)." human geography research quarterly 44.80: 177-192. [In Persian]

موسوی، میرنجف. (۱۳۹۱). «شکل پایدار شهر و عدالت اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: شهر میاندوآب)». پژوهش‌های جغرافیایی انسان ۸۰، ۴۴، ۱۷۷-۱۹۲.

Mousavi, Mirnajaf, and Mahdi Modiri.(2015). "Prioritization of the Islamic-Iranian Justice Indices in Realization of Land Use Planning and Balanced Development in Iran." Journal of Geographical Data (SEPEHR) 24.95: 17-35. [In Persian]

موسوی، میرنجف. مدیری، مهدی. (۱۳۹۴). «اولویت‌سنجی شاخص‌های عدالت اسلامی - ایرانی در تحقق آمایش سرزمین و توسعه‌ی متعادل در ایران». سپهر ۹۵، ۲۴، ۱۷-۳۵.

Mousavi, Mirnajaf, and Fatemeh Sadat Kahaki.(2017). "Priority Assessment of Iranian Islamic Development Indicators in the Realization of Spatial Planning of Khorasan Razavi Province with the Justice Based Approach." geography and development 14.45: 93-120. [In Persian]

موسوی، میرنجف. سادات‌کهاکی، فاطمه. (۱۳۹۵). «اولویت‌سنجی شاخص‌های توسعه‌ی ایرانی اسلامی در تحقق آمایش سرزمین در استان خراسان رضوی (با رویکرد عدالت محوری)». جغرافیا و توسعه ۹۳-۹۴، ۱۲۰، ۱۴، ۴۵.

Nagh-e mohit Consulting Engineers (2016), Tabriz master paln, Tabriz.

مهندسين مشاور نقش محیط. (۱۳۹۵). طرح جامع شهر تبریز. تبریز.

Nazm Far, Hossein, Amirhossein Aslani, and Ata Ghafari Gilande.(2016). "Evaluation of the components of Iranian Islamic urban planning model." The third scientific research conference of new horizons in the sciences of geography and architectural planning and urban planning in Iran. tehran. [In Persian]

- نظم‌فر، حسین. غفاری‌گیلانده، عطا. اصلانی، امیرحسین. (۱۳۹۵). «ارزیابی مؤلفه‌های الگوی شهرسازی اسلامی - ایرانی». سومین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی ایران: تهران.
- Pak, Mohammad Reza.(2008). "Paradigm of Islamic urban planning, endowment and preservation of the environment." The first conference of Islamic Utopia. Isfahan: University of Isfahan. [In Persian]
- پاک، محمدرضا. (۱۳۸۷). «پارادایم شهرسازی اسلامی، وقف و حفظ محیط زیست». نخستین همایش آرمان شهر اسلامی. دانشگاه اصفهان: اصفهان.
- Poursaid, Ramin, and Masoumeh Zuhairi.(2012). "Rawls social justice." *ettelaat hekmat va marefat* 7.7: 60-63. [In Persian]
- پورسعید، رامین. زهیری، معصومه. (۱۳۹۱). «عدالت اجتماعی راولز». اطلاعات حکمت و معرفت ۷، ۷، ۶۰-۶۳.
- Rahimi, Leila, and Mohammad Naghizade.(2016). "The manifestation of social justice in the structure of the Islamic city (neighborhood)." *Hoviyyat Shahr* 10.26: 13-20. [In Persian]
- رحیمی، لیلا. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۵). «تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی (محلّه)». هویت شهر ۲، ۱۰، ۱۳-۲۰.
- Rezaei Moghaddam, Ali.(2010). Investigating the components of the Islamic city on Mashhad city development plans. mashhad: Master's thesis. [In Persian]
- رضایی‌مقدم، علی. (۱۳۸۹). بررسی مؤلفه‌های شهر اسلامی در طرح‌های توسعه شهر مشهد (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد - دانشکده ادبیات و علوم انسانی: مشهد.
- Saeidi Rezvani, Hadi.(2014). "Passage on the just city in the theories of urban development and Islamic teachings." *Stable city* 1.1: 135-163. [In Persian]
- سعیدی‌رضوانی، هادی. (۱۳۹۳). «گذری بر شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی». شهر پایدار ۱، ۱، ۱۳۵-۱۶۳.
- Salman, Mohammad.(2011). The political thought of Ibn Rushd. Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]
- سلیمان، محمد. (۱۳۹۰). اندیشه سیاسی ابن رشد. دفتر تبلیغات اسلامی: قم.
- Sanaei Rad Abasali, and Zeinab Ahmadvand.(2007). "Some principles governing the relationship between urban planning and citizenship in the texts." Collection of articles of the first conference of Islamic Utopia. esfahan: Isfahan University Publications. 493. [In Persian]
- سنایی‌راد، عباس‌علی. احمدوند، زینب. (۱۳۸۷). «برخی از اصول حاکم بر مناسبات شهرسازی و شهروندی در متون اسلامی». مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی. اصفهان.
- Taranei, Mojtaba.(2004). Alphabetical dictionary of Mahdavit Mu'oudnameh. Qom: mashhor. [In Persian]
- ترانه‌ای، مجتبی. (۱۳۸۳). موعودنامه (فرهنگ‌القبای مهدویت). نشر مشهور: قم.
- Tavakolinia, Jamileh, and Mohammad SHali.(2012). "regional disparities in Iran." *Amayesh* 5.18: 1-15. [In Persian]
- توکلی‌نیا، جملیه. شالی، محمد. (۱۳۹۱). «نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران». آمایش محیط ۱۸، ۵، ۱-۱۵.
- Vatan Parast, Mehdi, Sohail Akbari, and Mehdi Mohammadzadeh Moghadam.(2018). "Investigating the formation of residential neighborhoods based on Islamic urban planning components." The leading international architecture and urban planning congress in Islamic countries. mashhad. [In Persian]
- وطن‌پرست، مهدی. اکبری، سهیل. محمدزاده‌مقدم، مهدی. (۱۳۹۷). «بررسی شکل‌گیری محله‌های مسکونی براساس مؤلفه‌های شهرسازی اسلامی». کنگره بین‌المللی معماری و شهرسازی معاصر پیشرو در کشورهای اسلامی: مشهد.
- Zarabi, Asghar, and Mirnajaf Mousavi.(2010). "Spatial analysis of population distribution and distribution of services in urban areas of Yazd." *geographical researches* 25.97: 27-46. [In Persian]
- ضرابی، اصغر. موسوی، میرنجمف. (۱۳۸۹). «تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری یزد». تحقیقات جغرافیایی. ۲۷-۲۵، ۹۷، ۴۶-۲۷.